

بررسی راهبردهای شش ترجمه فارسی در برگردان اعلام قرآنی (مطالعه موردی: سوره بقره)

حسین صادقی شالی^۱، جواد اصغری^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه عربی، دانشگاه تهران، ایران

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۵

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۹

چکیده

اسامی خاص (اعلام) یکی از مقولات فرهنگی مهم در هر زبانی به شمار می‌رود. این اهمیت در برخی متون، از جمله قرآن کریم با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، بیشتر احساس می‌شود، خصوصاً هنگامی که چنین متونی به زبانی دیگر ترجمه می‌شود. مطالعاتی که پیش‌تر در حوزه ترجمه اسامی خاص صورت گرفته است، عمدتاً با بررسی بازتاب چنین اسم‌هایی در متون داستانی و رمان در ارتباط بوده‌اند و توجه چندانی به بررسی انعکاس اسامی خاص در ترجمه‌های - به‌ویژه فارسی - قرآن نشده است. در پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، تلاش شده است تا با محوریت سوره بقره، نحوه بازتاب اعلام قرآنی در شش ترجمه فارسی - ترجمه تفسیر طبری، ترجمه قرآن قرن دهم، الهی‌قمشه‌ای، انصاری، رضایی‌اصفهانی و صفوی - بررسی شده و نشان داده شود که ترجمه‌های مزبور در برگردان این اعلام چه راهبردهایی را در پیش گرفته‌اند. در این ارتباط، اسامی خاص را ذیل هفت مجموعه جای داده‌ایم و با اقتباس از الگوهای مختلف پیش‌تر ارائه‌شده در حوزه ترجمه اسامی خاص، چهارده راهبرد - که شماری از آنها ترکیبی هستند - شناسایی گردیده است. نتایج تحقیق نشان از این دارد که سه راهبرد اصلی و اول ترجمه‌های شش‌گانه در مواجهه با اسامی خاص عبارتند از: «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد»، «انتقال (بدون تغییر یا با تغییری جزئی)» و «ترجمه».

واژگان کلیدی: اسم خاص، اعلام قرآنی، ترجمه اسامی خاص، ارزیابی ترجمه‌های قرآن

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

اسم از منظر تعمیم و تخصیص به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود. اسم‌های خاص یا عَلم - برخلاف اسم‌های عام - دارای مرجعی یگانه، مشخص و منحصر به فرد هستند. اسامی خاص جزء مهمی از یک زبان را تشکیل می‌دهند و با ابعاد مختلف فرهنگ آن زبان در ارتباط هستند و با توجه به اطلاعات و دلالت‌هایی که در خود حمل می‌کنند، می‌توانند ایفاگر نقشی تأثیرگذار در هر متنی باشند.

ممکن است در نگاه اول چنین به نظر آید که ترجمه اسم‌های خاص کاری آسان و بی‌زحمت است، اما حقیقتاً همیشه این گونه نیست و این اسم‌ها نیز مشکلات خاص خود را دارند و ترجمه آنها در برخی متون (اگر نگوییم همه) مستلزم توجهی بسیار و ویژه است. قرآن کریم به عنوان متنی مقدس و حساس از جمله این متون به شمار می‌آید. به کارگیری اسامی خاص و اعلام در این کتاب مبتنی بر أغراض و انگیزه‌هایی است و در این ارتباط، می‌توان به اهدافی نظیر تشریف، تعظیم و تکریم، و تعیین و تصریح، و تحقیر و تخویف و غیره که مخصوصاً در لایه‌های کتاب‌های تفسیری پراکنده است، اشاره کرد. انعکاس نادرست و یا نامناسب این اعلام باعث می‌شود که اهداف مدنظر محقق نگردند؛ مثلاً وقتی مترجم یک اسم خاص را به ضمیر تبدیل می‌کند، چندان نمی‌توان گفت که در راستای تحقق هدف نهفته در پس آوردن آن اسم خاص در ترجمه و متن مقصد گام برداشته است. آنچه در ترجمه اسامی خاص نظرها را بیشتر به خود جلب می‌کند، راهبردهایی است که در ترجمه این اسامی اتخاذ می‌شوند. عمده مطالعاتی نیز که در این حوزه انجام گرفته‌اند، درصدد بررسی و یافتن همین راهبردها بوده‌اند.

در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت می‌گیرد، در پی آن هستیم که به بررسی اعلام قرآنی و چگونگی بازنمایی آنها در شش ترجمه فارسی - ترجمه تفسیر طبری (به اختصار: ت. ت. طبری)، ترجمه قرآن قرن دهم (به اختصار: ق. ق. دهم)، الهی قمشه‌ای، انصاری، رضایی اصفهانی و صفوی - پردازیم. گفتنی است که گزینش این ترجمه‌ها بنابه

تفاوت زمانی (کهن و معاصر) و نیز شیوه ترجمه‌ای (تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری) آنها است. با توجه به هدف یادشده و برای اینکه تحلیل نسبتاً جامعی از راهبردهای این شش ترجمه در انعکاس اسامی خاص ارائه دهیم، بررسی خود را به سوره بقره محدود می‌کنیم و می‌کوشیم با تجزیه و تحلیل اسم‌های عَلم این سوره، نشان دهیم که ترجمه‌های مزبور در برگردان هر یک از این آعلام چه راهبردهایی را در پیش گرفته‌اند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر درصدد است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ترجمه‌های شش‌گانه در برگردان اسم‌های خاص چه راهبردهایی را اتخاذ کرده‌اند؟

- در این ترجمه‌ها بیشتر از کدام راهبردها استفاده شده است؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات نسبتاً متعددی در باب اسم خاص و نحوه ترجمه آن صورت گرفته که البته این مطالعات بیشتر در زبان‌های خارجی است. در این زبان‌ها نیز هرچند با مطالعاتی در حوزه ترجمه آعلام قرآنی (به‌ویژه اسماء الله) مواجه هستیم، اما مطالعات را باید عموماً غیرقرآنی و در حوزه متون داستانی و رمان - چه در ارتباط با مخاطب عام و چه به‌طور خاص، در ارتباط با مخاطب کودک - دانست. در دو زبان عربی و - خصوصاً - فارسی هم چنین وضعی وجود دارد و مطالعات صورت‌گرفته در حوزه ترجمه آعلام قرآنی چندان زیاد نیستند.

ذیلاً، به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله (ترجمه آعلام قرآنی) اشاره می‌کنیم.

طیبی (۲۰۰۹) در پایان‌نامه ارشد خود، با تکیه بر اسماء خُسنای الهی موجود در سوره حشر، به بررسی چگونگی برگردان این اسماء در سه ترجمه فرانسوی پرداخته است؛ صایفی (۲۰۱۰) در پایان‌نامه ارشد خود به بررسی ترجمه آعلام قرآنی (با تمرکز بر اسامی پیامبران) در دو ترجمه فرانسوی پرداخته و شیوه‌های آنها را در برگردان اسامی مزبور مورد مطالعه قرار داده است؛

طباطبایی لطفی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به راهکارهای معادل‌گزینی پنج ترجمه انگلیسی برای ۶۷ اسم خاص قرآنی براساس الگوی ون کویلی پرداخته و به این نتیجه رسیده که در این پنج ترجمه، راهکارهای معادل‌گزینی به ترتیب استفاده (از بیشتر به کمتر) عبارتند از: جایگزینی با یک معادل در زبان مقصد،

ترجمه (اسامی دارای معنای ضمنی خاص)،

بازتولید آوایی،

بازتولید آوایی به همراه توضیح اضافی در متن یا در پانوش،

جایگزینی با یک اسم متعارف‌تر در زبان مبدأ یا مقصد؛

اسکندری (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی برگردان بیست مورد از تغییرناپذیرهای طبیعت و اسامی خاص قرآن در ترجمه روسی کولی‌یف پرداخته و نتیجه گرفته که مترجم نتوانسته چنان که باید و شاید، حق مطلب را ادا کند و فهم آیات را برای روس‌زبانان غیرممکن ساخته است؛

حری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به سخت‌ترجمه‌پذیری و چالش‌های پیش روی مترجمان در برگردان یازده اسم الهی در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره حشر در ۹ ترجمه انگلیسی قرآن بنابر الگوی پیشنهادی لپی‌هالم و بیکر برای برگردان اسامی خاص پرداخته و نتیجه گرفته است که مترجمان نتوانسته‌اند وجوه معنایی رنگارنگ این اسامی را انتقال دهند و در ترجمه اسامی خداوند، عمدتاً از ترجمه معنایی و به‌طور خاص از جایگزینی با اسمی مشابه، بازگزاری و ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده‌اند.

چنانکه ملاحظه می‌شود و با توجه به بررسی و جستجویی که داشتیم، در حوزه انعکاس اسامی خاص قرآنی در ترجمه‌های فارسی و بررسی عملکرد این ترجمه‌ها با پژوهش مستقلی روبه‌رو نشدیم و از این حیث، می‌توان مقاله حاضر را نو دانست.

۲- اسامی خاص

چنانکه در مقدمه گفته شد، اسم به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود. در تعریف این دو می‌توان گفت: اسم عام آن است که بین افراد نوع یا جنس مشترک باشد و بر هر یک از آنها دلالت کند و اسم خاص آن است که تنها بر یک فرد معین از افراد نوع دلالت کند (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۸۲). به بیانی دیگر، اسم عام به طبقه‌ای از احاد اشاره می‌کند که همه نسبت به هم یکسان هستند حال آنکه اسم خاص، هر یک از افراد یک مجموعه را به اعتبار صفاتی که خاص آنها است، از دیگران جدا می‌کند و با کلمه یا برچسبی متمایز می‌نماید (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۷۸). بدین ترتیب، تفاوت این دو در آن است که اسم خاص به فرد، چیز و یا در کل، موجودی معین و منحصر به فرد اشاره دارد.

گفتنی است که تقسیم اسم به عام و خاص، از حیث اختصاص یا شمول همه افراد همجنس است، نه از حیث شمارش؛ شاید چنین تصور شود که اسم خاص باید فقط یکی باشد و حال آنکه تنها برخی از اسم‌های خاص ممکن است بیش از یکی نباشند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۵). مثلاً اسمی همچون «علی» را در نظر بگیرید که نام میلیون‌ها فرد است و به خاطر این اشتراک، نمی‌توان گفت که «علی» اسم خاص نیست، بلکه هرگاه این اسم در موقعیتی به کار می‌رود، فرد معینی مراد است.

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از اسم‌های خاص ارائه شده است؛ مثلاً نیومارک (۱۹۸۸) اسامی خاص را ذیل سه دسته نام افراد، نام اشیاء و اصطلاحات جغرافیایی جای داده است. انوری و احمدی گیوی (۱۳۹۰: ۸۶) نیز اسم‌های خاص را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. اسم خاص انسان‌ها؛

۲. اسم خاص حیوان‌ها، مانند رخش که نام اسب رستم است؛

۳. اسم خاص مکان‌ها اعم از کشورها، شهرها، روستاها، رودها، کوه‌ها، قاره‌ها، جزیره‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها، کُرّات آسمانی و جز آنها؛

۴. اسم کتاب‌ها و اشیایی که بیش از یکی نیستند، مانند قرآن و حجر الاسود.

۳- راهبردهای ارائه‌شده برای ترجمه اسامی خاص

در ارتباط با ترجمه اسامی خاص شیوه‌های مختلفی پیشنهاد شده که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ریتوا لیهالم (۱۹۹۷: ۷۸-۷۹) معتقد است که سه راهبرد اصلی ترجمه اسامی خاص و زیرمجموعه‌های هر یک از آنها عبارتند از:

۱. حفظ اسم (به همان صورت اصلی یا به صورتی که در زبان مقصد متعارف است):

الف. حفظ همان اسم؛

ب. حفظ اسم به‌همراه راهنمایی [و توضیح] اضافی؛

ج. حفظ اسم به‌همراه توضیحات مفصل (پانوش و غیره)؛

۲. جایگزینی اسم با اسمی دیگر (فراتر از تغییراتی که عرف ایجاب می‌کند):

الف. جایگزینی اسم با اسمی دیگر از زبان مبدأ؛

ب. جایگزینی اسم با اسمی دیگر از زبان مقصد؛

۳. حذف اسم:

الف. حذف اسم ولی انتقال معنای آن از طریقی دیگر، مثلاً به‌وسیله اسمی عام؛

ب. حذف کامل اسم و اشاره و تلمیح [موجود در آن].

- تئو هرمانز (۱۹۸۸: ۱۳) از حداقل چهار راهبرد برای ترجمه اسامی نام برده است که

عبارتند از:

۱. می‌توان آنها را کپی کرد، یعنی دقیقاً همان‌گونه که در متن اصلی هستند، در زبان

مقصد بازتولید کرد؛

۲. می‌توان آنها را آوانویسی، یعنی نویسه‌گردانی کرد یا در سطح املائی، آوایی و غیره

با زبان مقصد انطباق داد؛

۳. اسم موجود در متن اصلی را می‌توان در متن مقصد با اسمی که از حیث شکل و

صورت با آن اسم ارتباطی ندارد [یعنی یک اسم را با اسمی که هم‌شکل آن نیست]،

جایگزین کرد؛

۴. وقتی که یک اسم در زبان مبدأ در قاموس آن زبان قرار می‌گیرد و معنا می‌یابد، می‌توان آن را ترجمه کرد.

- ورمز (۲۰۰۳: ۹۳-۹۴) شیوه‌های مختلف ترجمه اسامی خاص را ذیل چهار عملکرد طبقه‌بندی می‌کند:

۱. انتقال: اسم خاص زبان مبدأ بدون تغییر وارد متن زبان مقصد می‌شود؛
 ۲. جانشین‌سازی: در زبان مقصد، برای اسم زبان مبدأ متناظری متعارف و متداول وجود دارد که هنگام ترجمه جانشین آن اسم می‌شود، مانند بسیاری از اسامی جغرافیایی. به گفته وی، جانشین‌سازی شامل نویسه‌گردانی (جابجایی واحدهای خطی اسم زبان مبدأ با واحدهای خطی زبان مقصد) نیز می‌شود؛
 ۳. ترجمه: برگرداندن اسم زبان مبدأ یا حداقل بخشی از آن به تعبیری در زبان مقصد که همان (یا تقریباً همان) معانی تحلیلی اسم اصلی را در زبان مقصد موجب می‌شود؛
 ۴. تعدیل (اصلاح): ورمز تعدیل را چنین تعریف می‌کند: فرایند انتخاب یک جایگزین از زبان مقصد برای اسم زبان مبدأ که منطقاً یا عرفاً با اسم اصلی نامرتبط یا تا حدی مرتبط است. او تعدیل را اصطلاحی عام می‌داند که حذف، اضافه و تعمیم را نیز دربرمی‌گیرد.
- ون کوپلی (۲۰۰۶: ۱۲۵-۱۲۹) از ده راهبرد ممکن که یک مترجم می‌تواند هنگام سروکار داشتن با ترجمه اسامی اتخاذ کند، نام برده است:

۱. عدم ترجمه، بازتولید، کپی (نسخه‌برداری) کردن: اسامی خارجی بدون تغییر وارد زبان مقصد می‌شوند؛
۲. عدم ترجمه همراه با توضیح اضافی: مترجم اسامی خارجی را همان‌گونه که هستند، می‌آورد اما در پانوشته یا در خود متن، توضیحاتی را درباره آنها ارائه می‌کند؛
۳. جایگزینی یک اسم خاص با یک اسم عام: این راهبرد غالباً زمانی اتخاذ می‌شود که مترجم کل بافت متن مبدأ را منتقل می‌کند اما نمی‌تواند در زبان مقصد نامی را بیابد که همان تداعی‌های زبان مبدأ را موجب می‌شود؛

۴. سازگارسازی آوایی یا صرفی با زبان مقصد: هنگام برگردان، اسامی خارجی با نظام آوایی یا صرفی زبان مقصد مطابقت می‌یابند؛
 ۵. جایگزینی با یک هم‌تا در زبان مقصد: برخی از نام‌های معروف و اسامی شخصیت‌های تاریخی مشهور، در زبان‌های مختلف دارای هم‌تا و نظیر هستند. در ترجمه این اسم‌ها از معادل‌های متناظر استفاده می‌شود؛
 ۶. جایگزینی با یک اسم مشهورتر از فرهنگ مبدأ یا یک اسم مشهور بین‌المللی دارای کارکرد مشابه: در این راهبرد، مترجم بدون رها کردن بافت خارجی، قابلیت شناسایی را ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر، معادلی را می‌آورد که برای خواننده شناخته‌تر است. مثلاً نام یک خواننده به خواننده‌ای که مشهورتر است، تغییر می‌کند؛
 ۷. جایگزینی با یک اسم دیگر از زبان مقصد (جانشین‌سازی)؛
 ۸. ترجمه (اسم‌هایی که معنای ضمنی خاصی دارند): معنای ضمنی خاص برخی از اسم‌ها در زبان مقصد بازتولید می‌شود؛
 ۹. جایگزینی با یک اسم دارای معنای ضمنی دیگر یا اضافی؛
 ۱۰. حذف.
- لینکلن فرناندز (۲۰۰۶: ۵۰-۵۵) ده روش برای ترجمه اسامی خاص پیشنهاد می‌دهد:
۱. ترجمه: وقتی یک اسم در متن اصلی وارد قاموس آن زبان می‌شود، معنای اکتسابی آن باید در زبان مقصد ترجمه شود؛
 ۲. نسخه‌برداری (کپی): اسامی دقیقاً و بدون هیچ سازگاری املایی، در متن ترجمه‌شده بازتولید می‌شوند؛
 ۳. آوانویسی: این روش زمانی صورت می‌گیرد که یک اسم نویسه‌گردانی شده یا با سطح صرفی، آوایی، دستوری و غیره نظام زبان مقصد سازگار می‌شود. در اینجا، آوانویسی با نویسه‌گردانی مترادف است؛
 ۴. جایگزینی: یک اسم در زبان مقصد جایگزین اسم خاص زبان مبدأ می‌شود، گواهی که این دو از حیث شکلی و/یا معنایی با هم ارتباطی ندارند؛

۵. بازآفرینی: یک اسم تازه‌ساخت در متن اصلی، در متن مقصد بازآفرینی می‌شود تا تأثیرات مشابهی را در زبان مقصد بازتولید کند؛

۶. حذف: اسم متن مبدأ یا بخشی از آن در متن مقصد حذف می‌شود؛

۷. افزودن: اطلاعات اضافی به اسم اصلی افزوده می‌شود تا برای خوانندگان مقصد مفهوم‌تر و یا شاید، جذاب‌تر شود. گاهی از این روش برای رفع ابهاماتی که ممکن است در ترجمه یک اسم خاص وجود داشته باشد، استفاده می‌شود؛

۸. دستورگردانی: به معنای تغییر یکی از اجزای کلام با جزئی دیگر بدون هیچ‌گونه چرخش (تغییر) معنایی است. به عنوان مثال، در ترجمه، اسم به صفت یا صفت به اسم تغییر می‌یابد؛

۹. جایگزینی آوایی: در این روش، ویژگی‌های آوایی اسم اصلی در زبان مقصد همانندسازی می‌شود. به عبارت دیگر، یک اسم در متن مقصد که آوایی مشابهی با اسم زبان مبدأ دارد، جایگزین اسم اصلی می‌شود؛

۱۰. مرسوم/ متعارف بودن: اسم زبان مبدأ به اسمی که در زبان مقصد پذیرفته شده است، ترجمه می‌شود. این روش عمدتاً در ارتباط با شخصیت‌های تاریخی/ ادبی و موقعیت‌های جغرافیایی به کار می‌رود.

– سارکا (۲۰۰۷) نیز در ترجمه اسامی خاص به شیوه‌هایی اشاره کرده است، از جمله اینک:

۱. می‌توان آنها را به‌طور کامل و بدون تغییر از متن مبدأ به مقصد منتقل کرد؛

۲. می‌توان آنها را متناسب با نظام آوایی/ خطی زبان مقصد تعدیل و اصلاح کرد؛

۳. می‌توان بخشی از آنها را از زبان مبدأ به مقصد انتقال داد و بخش دیگر را ترجمه کرد؛

۴. می‌توان آنها را با اسم‌هایی کمابیش متفاوت در زبان مقصد جایگزین کرد؛

۵. می‌توان کلاً آنها را کنار گذاشت و حذف کرد.

۴- بحث و بررسی

۴-۱- داده‌ها

طبق تشخیص ما، در سوره بقره، ۵۹ اسم خاص (با مجموع ۴۴۳ بار تکرار) وجود دارد. این اسم‌ها را می‌توان به مجموعه‌های مندرج در جدول زیر تقسیم کرد:

جدول ۱: اسامی خاص موجود در سوره بقره

نام مجموعه	اسامی مجموعه	تعداد اسامی	مجموع تکرار
۱. اسامی خداوند	الله، التواب، الحکیم، الحی، الرحمن، الرحیم، السميع، العزيز، العظيم، العلی، العليم، القیوم	۱۲	۳۰۴
۲. اسامی اشخاص	الف. پیامبران: آدم، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، موسی، داود، سلیمان، عیسی؛ ب. زنان: مریم؛ ج. فرمانروایان: طالوت، جالوت	۱۲	۵۶
۳. اسامی فرشتگان، جنیان و شیاطین	جبریل، میکال، هاروت، ماروت، روح القدس، ابلیس، الشیطان	۷	۱۳
۴. اسامی گروه‌ها	الأسباط، بنی اسرائیل، اليهود، النصارى، الصابئين، آل موسی، آل هارون، آل فرعون، أصحاب النار، أصحاب الجنة، أصحاب الجحیم	۱۱	۲۷
۵. اسامی کتاب‌ها	القرآن	۱	۱
۶. اسامی مکان‌ها	الف. مکان‌های دنیوی: بابل، الطور، البيت، الصفا، المروة، عرفات، المشعر الحرام، المسجد الحرام، مقام ابراهیم؛ ب. مکان‌های اخروی: الجنة، النار، جهنم	۱۲	۲۹
۷. اسامی زمان‌ها	الف. زمان‌های دنیوی: السَّبْت، شهر رمضان؛ ب. زمان‌های اخروی: يوم القيامة، اليوم الآخر	۴	۱۳

عَلَمِیت اسم‌های فوق عموماً مشخص است و بحثی در باب آن وجود ندارد، اما ممکن است درباره عَلَم بودن برخی از اسم‌های دو مجموعه «اسامی خداوند» و «اسامی گروه‌ها»

تردید و سؤال وجود داشته باشد و مثلاً گفته شود که این اسم‌ها در واقع صفت هستند، نه عَلم.

در اینجا، به تبیین مختصر چرایی عَلم دانستن این اسم‌ها می‌پردازیم:

(۱) اسماء الله الحسنی معرف به الف‌ولام هستند و بیشتر آنها ظاهراً صفت هستند، اما با توجه به اینکه این صفات در بافت و سیاق خود دلالت بر یک موصوف خاص (خداوند) دارند، می‌توان آنها را عَلم دانست. ما نیز در این پژوهش، فقط مواردی را که معرف به الف‌ولام بوده‌اند و مشخصاً دلالت بر باریتعالی داشته‌اند، عَلم دانسته‌ایم، مانند: «السمیع» و «العلیم» در آیه ﴿إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۷)؛

(۲) «أصحاب النار» و امثال آن در مجموعه «اسامی گروه‌ها» را نیز با توجه به دلالت بر مجموعه و گروهی خاص و نیز تعین و تمایز مسمایشان، عَلم و اسم خاص در نظر گرفته‌ایم. در کل، معیار عَلمیت یک اسم همین ویژگی بوده است.

۴-۲- راهبردهای اتخاذشده

راهبردهایی که ترجمه‌های شش‌گانه در برگردان آعلام فوق اتخاذ کرده‌اند، عموماً ذیل یکی از راهبردهای پیش‌تر معرفی‌شده قرار می‌گیرند، هرچند برخی از معادل‌ها نیز با این راهبردها انطباق تام و دقیق ندارند. از این‌رو، با اقتباس شماری از راهبردهای مزبور، راهبردهای دیگری را نیز که عمدتاً ترکیبی (مجموع دو راهبرد مستقل) هستند، می‌افزاییم تا عملکرد ترجمه‌ها را بهتر تحلیل کنیم. ذیلاً با ذکر نمونه‌هایی، به تبیین چهارده راهبرد شناسایی‌شده می‌پردازیم:

۴-۲-۱- انتقال

اسم خاص عیناً یا با تغییری جزئی که جهت هماهنگ‌سازی و مطابقت‌دهی با زبان مقصد است، انتقال می‌یابد.

برخی از اسم‌های خاصی که بدون تغییر در هر شش ترجمه نمود یافته‌اند، عبارتند از: «آدم»، «یعقوب»، «موسی»، «عیسی»، «داود»، «مریم»، «طالوت»، «جالوت»، «هاروت»، «ماروت»، «بابل» و «عرفات».

برخی از اسم‌هایی نیز که با تغییری جزئی بازتاب داده شده‌اند، عبارتند از: «حکیم» (قمشه‌ای و صفوی) برای «الحکیم» (آیه ۳۲)، «شیطان» (چهار ترجمه معاصر) برای «الشیطان»، «نصارا/نصاری» (قمشه‌ای) برای «النصاری»، «قرآن» (همه به جز ق. ق. دهم) برای «القرآن»، «مروه» (همه) برای «المروة»، و «مشعر حرام» (ت. ت. طبری) و «مشعر الحرام» (انصاری، رضایی و صفوی) برای «المشعر الحرام».

۴-۲-۲- ترجمه

در این راهبرد، معنای اسم خاص ترجمه می‌شود.

برخی از اعلام ترجمه‌شده عبارتند از:

«زنده» (همه) برای «الحی»، «شنوا» (ت. ت. طبری، ق. ق. دهم، انصاری و رضایی در آیات ۱۲۷ و ۱۳۷. صفوی صرفاً در آیه ۱۳۷) برای «السمیع»، «برتر» (دو ترجمه کهن)، «بزرگوار» (قمشه‌ای) و «بلندمرتبه» (سه ترجمه دیگر) برای «العلی»، «آتش» (با میزان دفعاتی متفاوت در هر شش ترجمه) برای «النار»، «مزگت شکوهمند» (ق. ق. دهم) برای «المسجد الحرام»، «خانه» (ت. ت. طبری و ق. ق. دهم) برای «البيت».

۴-۲-۳- جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ

در ترجمه، اسم خاص با اسمی دیگر که به زبان مبدأ تعلق دارد، جایگزین می‌شود.

این راهبرد صرفاً یک بار در ق. ق. دهم - «مزدلفه» برای «المشعر الحرام» (آیه ۱۹۸) - و ۷ بار در ترجمه قمشه‌ای - «شیطان» برای «ابلیس» (آیه ۳۴)، «اهل جهنم» برای «اصحاب النار» (آیات ۲۱۷ و ۲۷۵)، «کعبه»، «شهر مکه» و «حرم خدا» برای «المسجد الحرام» (آیات ۱۴۹ و ۱۵۰، ۱۹۶ و ۲۱۷) - اتخاذ شده است.

۴-۲-۴- جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد

مترجم اسم خاص را با معادلی فرهنگی برای آن اسم در زبان مقصد جایگزین می‌کند.

برخی از نمونه‌های این راهبرد عبارتند از:

«خدای»، «خدا» و «خداوند» (با میزان دفعاتی متفاوت در همه ترجمه‌ها) برای «الله»، «جهودان» (دو ترجمه کهن) برای «الیهود»، «ترساآن» (ت. ت. طبری) و «ترسایان» (ق. ق. دهم: همیشه. انصاری: صرفاً یک بار) برای «النصاری»، «بهشت» (پنج ترجمه: همیشه. رضایی: به جز یک بار) برای «الجنة» و «دوزخ» (دو ترجمه کهن و صفوی) برای «جهنم».

۴-۲-۵- دستورگردانی

منظور از دستورگردانی تغییر در ساختار دستوری یک کلمه است. این راهبرد به سه صورت در سه ترجمه دیده می‌شود:

یک. **تغییر اسم به ضمیر:** قمشه‌ای دو بار و انصاری و صفوی یک بار «الله» را به ضمیر «او» برگردانده‌اند و نام خداوند را صریحاً منتقل نکرده‌اند و از این‌رو، چندان نتوانسته‌اند هدف از به‌کارگیری این اسم را در ترجمه خود منعکس کنند؛

دو. **تغییر به صفت:** انصاری هشت بار و صفوی چهار بار «الله» را به «الهی» ترجمه کرده‌اند؛

سه. **تغییر به عبارت فعلی و جمله:** در آیه ۱۲۹، «العزیز الحکیم» را قمشه‌ای به «... قدرت و علم کامل داری» برگردانده و صفوی «الحکیم» را به «... از روی حکمت است»، ترجمه کرده است. در آیه ۱۲۷، «السمیع» را قمشه‌ای به «... اجابت کنی» و صفوی به «می‌شنوی» برگردانده‌اند. قمشه‌ای در آیه ۱۳۷ نیز این اسم را به «می‌شنود» ترجمه کرده است.

۴-۲-۶- حذف

در این راهبرد، اسم خاص اصلاً در ترجمه نمود نمی‌یابد و حذف می‌شود. قمشه‌ای مجموعاً ۵ بار در عبارات ﴿أَنْبِيَاءُ اللَّهِ﴾ (آیه ۹۱)، ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ (آیه ۱۸۹)، ﴿نَضْرُ اللَّهُ﴾ (آیه ۲۱۴)، ﴿حُدُودَ اللَّهِ﴾ سوم (آیه ۲۲۹) و ﴿سَبِيلَ اللَّهِ﴾ دوم (آیه ۲۴۶)، «اللّه» را ترجمه نکرده است.

۴-۲-۷- انتقال جزئی

در این راهبرد، بخشی (جزئی) از یک اسم خاص طبق توضیحاتی که در راهبرد اول گفته شد، منتقل شده و بخش (جزء) دیگر ترجمه یا حذف می‌شود. حذف یکی از دو جزء صرفاً دو بار و آن هم در ترجمه قمشه‌ای صورت گرفته است: «مشعر» برای «المشعر الحرام» و «قیامت» برای «یوم القيامة» (آیه ۱۷۴). در سایر موارد، جزء دیگر ترجمه شده است، از جمله:

«روح پاک» (رضایی) برای «روح القدس»، «یهودیان» (انصاری، رضایی و صفوی) برای «الیهود»، «فرعونیان» (ترجمه‌های معاصر) برای «آل فرعون»، «ماه رمضان» برای «شهر رمضان» و «روز قیامت» (انصاری و صفوی: همیشه؛ ت. ت. طبری: صرفاً یک بار؛ قمشه‌ای: به جز یک بار) برای «یوم القيامة».

۴-۲-۸- انتقال و توضیح

مترجم اسم خاص را وارد متن مقصد می‌کند و در کنار آن، توضیحی را داخل کروشه و پراکنش یا خارج از آن در اختیار خواننده قرار می‌دهد. همه نمونه‌های این راهبرد عبارتند از:

«روح القدس [/ جبرئیل]» (انصاری در آیه ۸۷) برای «روح القدس»، «صابان (پیرو یحییای پیامبر)» (رضایی) برای «الصابئین»، «اسباط (پیامبرانی از نسل یعقوب)» (صفوی در آیه ۱۳۶) برای «الأسباط»، «بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)» (رضایی) برای «بنی اسرائیل»،

«(کوه) صفا» (رضایی) برای «الصفاء»، «کوه / [کوه] / (کوه) طور» (قمشه‌ای / انصاری / رضایی) برای «الطور» و «مسجد الحرام (شهر مکه)» (انصاری در آیه ۱۹۱) برای «المسجد الحرام».

۹-۲-۴- ترجمه و توضیح

مترجم علاوه بر ترجمه اسم خاص، توضیحی را نیز ارائه می‌کند.

همه نمونه‌های این راهبرد عبارتند از:

«همدم آتش دوزخ» (صفوی در آیه ۳۹) برای «اصحاب النار»، «فرزندان او» (قمشه‌ای)، «نوادگان یعقوب» (انصاری) و «(پیامبران از) فرزندان (او)» (رضایی) برای «الأسباط»، «آتش دوزخ / جهنم» (با میزان دفعاتی متفاوت در همه ترجمه‌ها به جز ق. ق. دهم) برای «النار»، و «خانه کعبه / مکه» (قمشه‌ای)، «خانه [کعبه] / [خدا]» (انصاری و رضایی) و «آن خانه (کعبه)» (صفوی) برای «البيت» و «سرای آخرت که روز پاداش و جزاست» (صفوی در آیه ۲۶۴) برای «اليوم الآخر».

۱۰-۲-۴- ترجمه و جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ

بخشی از اسم خاص ترجمه و بخشی نیز با اسمی دیگر از زبان مبدأ جایگزین می‌شود.

همه نمونه‌های راهبرد مزبور عبارتند از:

«مسیحیان» (رضایی و صفوی: همیشه؛ انصاری: به جز یک بار) برای «النصارى»، «فرزندان یعقوب» (ت. ت. طبری) و «پسران فرزندان یعقوب عبدالله یا صفوة الله» / «پسران فرزندان یعقوب صفوة الله یا عبدالله» / «پسران یعقوب» (ق. ق. دهم) برای «بنی اسرائیل» و «روز قیامت» (قمشه‌ای، انصاری و صفوی: با میزان دفعاتی متفاوت) برای «اليوم الآخر».

۱۱-۲-۴- ترجمه و جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد

بخشی از اسم خاص ترجمه و بخشی نیز با اسمی دیگر از زبان مقصد جایگزین می‌شود.

همه نمونه‌های این راهبرد عبارتند از:

«ستاره پرستان بیرون‌آیندگان از دین مشهور به دین دیگر» (ق. ق. دهم) برای «الصابئین»، «خداوندان بهشت» (دو ترجمه کهن) برای «اصحاب الجنة»، «خداوند دوزخ» (ت. ت. طبری) و «خداوندان آتش دوزخ» (ق. ق. دهم) برای «اصحاب الجحیم»، «روز رستخیز» (ق. ق. دهم و رضایی: همیشه؛ ت. ت. طبری: به جز یک بار) برای «يوم القيامة» و «روز رستخیز» (ت. ت. طبری: همیشه؛ صفوی: صرفاً یک بار) برای «اليوم الآخر».

۴-۲-۱۲- جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ و توضیح

این راهبرد صرفاً در دو ترجمه استفاده شده است و همه نمونه‌های آن عبارتند از: «کعبه که بخشی از مسجد الحرام است» صفوی برای «المسجد الحرام» (آیات ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) و «کافران که به راه جهنم رفتند» قمشه‌ای برای «اصحاب الجحیم» (آیه ۱۱۹). در این نمونه آخر، «الجحیم» با «جهنم» که اسمی دیگر از زبان مبدأ است، جایگزین شده و مابقی ترجمه آورده شده را معادل «اصحاب» و از نوع راهبرد «توضیح» در نظر گرفته‌ایم.

۴-۲-۱۳- جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد و توضیح

این راهبرد در دو ترجمه (هر کدام یک بار) اتخاذ شده است. در معادل «(روز) شنبه» رضایی و «روز شنبه» صفوی برای «السَّبْت»، افزوده «روز» را «توضیح» و «شنبه» را «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد» در نظر گرفته‌ایم و این برای تمایز نهادن بین این معادل و معادل «شنبه» ترجمه تفسیر طبری و «شنبه» سه ترجمه دیگر است.

۴-۲-۱۴- جایگزینی با دو اسم دیگر از زبان مبدأ و زبان مقصد

اسم خاص متن مبدأ با دو اسم دیگر که یکی از زبان مبدأ است و یکی از زبان مقصد، جایگزین می‌شود. این راهبرد صرفاً یک بار و در معادل «دیو ابلیس» ق. ق. دهم برای «الشَّيْطَان» (آیه ۳۶) اتخاذ شده است.

جدول زیر نشانگر آمار کلی ۱۴ راهبردی است که هر یک از ترجمه‌های شش‌گانه در برگردان آعلام قرآنی سوره بقره اتخاذ کرده‌اند.

جدول ۲. میزان استفاده ترجمه‌ها از راهبردهای چهاردگانه

نام راهبرد	ت.ت.طبری	ق.ق.دهم	قمشه‌ای	انصاری	رضایی	صفوی
۱. انتقال	۷۴	۶۶	۹۱	۹۱	۸۰	۸۸
۲. ترجمه	۴۲	۵۶	۲۰	۲۷	۴۱	۳۲
۳. جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ	۰	۱	۷	۰	۰	۰
۴. جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد	۳۰۱	۳۰۰	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۷	۲۸۴
۵. دستورگردانی	۰	۰	۶	۹	۰	۷
۶. حذف	۰	۰	۵	۰	۰	۰
۷. انتقال جزئی	۷	۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۲
۸. انتقال و توضیح	۰	۰	۲	۴	۱۰	۱
۹. ترجمه و توضیح	۱	۰	۱۰	۹	۶	۷
۱۰. ترجمه و جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ	۶	۶	۶	۸	۴	۷
۱۱. ترجمه و جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد	۱۲	۷	۰	۰	۴	۱
۱۲. جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ و توضیح	۰	۰	۱	۰	۰	۳
۱۳. جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد و توضیح	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۱۴. جایگزینی با دو اسم دیگر از زبان مبدأ و زبان مقصد	۰	۱	۰	۰	۰	۰

۳-۴- تحلیل برخی از معادل‌ها

در اینجا، به بررسی تعداد اندکی از معادل‌های ارائه‌شده برای اعلام قرآنی می‌پردازیم و توضیحاتی ارائه می‌دهیم.

۱. ترجمه‌های شش‌گانه، اسم‌های خداوند را عمدتاً ترجمه کرده‌اند. از آنجا که در تفسیر معنای این اسم‌ها اختلاف نظر وجود دارد، طبیعی است که این اختلاف در ترجمه‌ها نیز - که معمولاً به تفسیرها و اقوال موجود رجوع می‌کنند - منعکس شود. به عنوان نمونه، معادل‌های ارائه‌شده برای «الْقَيُّوم» («پاینده»: ت. ت. طبری، ق. ق. دهم و قمشاهی؛ «تدبیرگر»: انصاری؛ «برپا و برپادارنده»: رضایی؛ «برپادارنده»: صفوی) برگرفته از معانی مختلف ذکرشده برای این اسم - مثلاً «الدائم الوجود»، «القائم بتدبیر خلقه» و «القائم بذاته والمُقوم لغيره» - هستند (درباره این معانی و برخی معانی دیگر، ن.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۹).

با این مقدمه، به چند نکته دیگر در باب این اسم‌ها و ترجمه آنها اشاره می‌کنیم:

نکته اول: این اسم‌ها عمدتاً دلالت بر مبالغه دارند. لذا، باید در ترجمه آنها به نحوی این امر را نشان داد؛ مثلاً «علیم» مبالغه «عالم» است و ترجمه «علیم» به «دانا» (در ترجمه‌های شش‌گانه عموماً همین معادل به کار رفته)، چندان نمی‌تواند تفاوت موجود میان آنها را - دست‌کم در کاربرد قرآنی - بنمایاند. درباره «توَّاب» نیز که مبالغه «تائب» است، همین تفاوت وجود دارد و می‌توان مبالغه اسم اول و تکرار فعل توبه‌پذیری را با کلماتی که دلالت بر کثرت دارند (مانند «بسیار») که دو سه بار در ترجمه رضایی و صفوی به کار رفته نشان داد؛

نکته دوم: این اسم‌ها معمولاً از تعدّد معنایی برخوردار هستند. انعکاس این چندمعنایی در ترجمه چندان آسان نیست؛ مثلاً در کلام عرب، «عزیز» در چهار وجه و معنا به کار رفته است:

۱. عزت یعنی غلبه و عزیز یعنی غالب و قاهر؛

۲. عزیز یعنی جلیل و شریف؛

۳. یعنی قوی؛

۴. یعنی چیز کمیاب، ناموجود و بی نظیر.

امکان وصف خداوند با هر یک از این چهار وجه وجود دارد و می توان گفت: خداوند غالب و قاهر، جلیل و عظیم، قوی، و بی نظیر است (زجاجی، ۱۴۰۶: ۲۳۹-۲۳۷). در دو ترجمه تفسیر طبری و قرآن قرن دهم صرفاً به معنای چهارم («بی همتا»)، در ترجمه قمشه ای فقط به معنای سوم («قدرت [داری]») و در سه ترجمه دیگر تنها به معنای اول («پیروزمند/ شکست ناپذیر») اشاره شده است. حقیقتاً آوردن معادلی که جامع همه یا برخی معانی مزبور باشد، کاری سخت است؛

نکته سوم: گاهی ممکن است مسئله تعدد معانی تا حدودی مرتفع شود، ولی درهم تنیدگی معنایی همچنان باقی می ماند؛ مثلاً در باب «حکیم» حداقل به دو معنا اشاره شده است: اولاً حکیم یعنی کسی که علم دارد و ثانیاً کسی که کارهایش درست و محکم و استوار هستند و تفاوتی میان آنها وجود ندارد و قبیح نیستند (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۸۳). نظر به اینکه در آیه ۳۲ سوره بقره: «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»، «حکیم» در کنار «علیم» آمده، احتمال اینکه بتوان آن را بر معنای دوم حمل کرد، زیاد است، ولی خود کار محکم و متقن بدون اتکا و استناد به علم شدنی نیست. معادل های ذکر شده برای «الحکیم» (ت. ت. طبری: «باحکمت»؛ ق. ق. دهم: «درست کار و درست گفتار»؛ قمشه ای: «حکیم» و «علم کامل داری»؛ انصاری و رضایی: «فرزانه»؛ صفوی: «حکیم» و «... از روی حکمت است») عموماً به گونه ای هستند که نمی توان درهم تنیدگی معنایی مزبور را از آنها نیز گرفت، ولو در ظاهر، امکان ارجاع آنها - مثلاً «فرزانه» - به یکی از دو معنا - مخصوصاً معنای علم - بیشتر باشد؛

نکته چهارم: شاید سخت ترین کار در ترجمه اسماء الله توجه به ویژگی های صوری و معنایی آنها است. در این ارتباط، می توان «الرحمن الرحیم» را مثال آورد. این دو اسم از رحمت مشتق شده اند و در باب تفاوت میان آنها نیز به جوهری اشاره شده است، مانند اینکه رحمن صیغه مبالغه است و دلالت بر کثرت دارد و رحیم صفت مشبیه است و دلالت بر ثبات و بقا دارد. رحمت رحمن عام است و همه (مؤمن و کافر) را دربرمی گیرد، ولی

رحمت رحیم خاص است و فقط به مؤمن اختصاص دارد (ن.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲-۲۱؛ درباره برخی تفاوت‌های دیگر، ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۹۴-۹۳).

توجه همزمان به اشتراک (اشتقاق از یک ریشه) و افتراق (اختلاف معنایی) موجود بین این دو اسم و معادل‌گزینی بر این اساس، بسیار سخت است و هر معادلی هم که آورده شود، باز جای بحث دارد. آنچه می‌تواند بر این گفته صحه بگذارد، تفاوت در معادل‌های خود ترجمه‌ها است، خصوصاً اینکه معادل برخی از ترجمه‌ها برای یکی از این دو اسم همان معادلی است که برخی از ترجمه‌ها برای اسم دیگر آورده‌اند؛ مثلاً «مهربان» معادل ترجمه تفسیر طبری برای «الرحمن» و معادل قمشه‌ای و انصاری برای «الرحیم» است و یا «بخشاینده» که معادل ترجمه تفسیر طبری برای «الرحیم» و معادل قمشه‌ای و انصاری برای «الرحمن» است. از سوی دیگر، در معادل‌های ترجمه قرآن قرن دهم (الرحمن: «بزرگ بخشایش»؛ الرحیم: «بخشایشگر» و «بسیار بخش») و رضایی (الرحمن: «گسترده‌مهر»؛ الرحیم: «مهرورز»)، تا حدی به هم‌ریشگی آنها توجه شده، ولی نمی‌توان گفت که این معادل‌ها کاملاً پوشش‌دهنده بعد/ابعاد معنایی دو اسم مزبور هستند.

۲. در برگردان «روح القدس»، ترجمه تفسیر طبری از «باد پاک»، قرآن قرن دهم از «جان پاک/ پاکیزه» و رضایی از «روح پاک» استفاده کرده‌اند. شاید این سؤال مطرح باشد که چرا این ترجمه‌ها ترکیب اضافی را به صورت وصفی برگردانده‌اند. در پاسخ، گفته‌اند که در این ترکیب، موصوف (روح) به صفت (القدس) اضافه شده و «روح القدس» یعنی «الروح المقدس»، همچون «حَاتِمُ الْجُودِ» و «زَيْدُ الْخَيْرِ» که در آنها نیز موصوف به صفت اضافه شده و مراد «حَاتِمُ الْجَوَادِ» و «زَيْدُ الْخَيْرِ» است (ن.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۳۴؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۸۵). این احتمال نیز وجود دارد که اضافه از قبیل اضافه روح به الله در تعبیر «روح الله» و مراد از «القدس»، خداوند باشد. در این صورت، «روح القدس» یعنی روح خداوندی که مقدس و منزّه از نقص و عیبهاست (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۴۴۷-۴۴۶).

نکته دیگری که در باب ترجمه «روح القدس» وجود دارد، این است که عملکرد ترجمه تفسیر طبری و قرآن قرن دهم - در صورت وصفی (= الروح المقدس) بودن ترکیب «روح

القدس» - درست است («باد» بدین خاطر که «روح» از جنس باد و مشتق از «ریح» است)، اما امروزه، استفاده از «جان» در ترجمه «روح» رواج بیشتری دارد.

۳. نقد و ارزیابی برگردان‌های واژه «الصَّابِئِينَ» جداً کاری سخت و دشوار است. صرف‌نظر از معادل «صابئین» انصاری و «صابئان» صفوی که - با تغییری جزئی - خود واژه مزبور را انتقال داده‌اند، معادل‌های دیگر تا حدودی با هم متفاوت و قابل بحث و بررسی هستند. با مراجعه به قرآن، ملاحظه می‌کنیم که واژه «الصَّابِئِينَ» سه بار در قرآن به کار رفته است:

آیه ۱: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ﴾ (بقره / ۶۲)؛

آیه ۲: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ﴾ (مائده / ۶۹)؛

آیه ۳: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (حج / ۱۷).

با توجه به این آیات، معلوم می‌شود که اولاً «صابئین» گروه مستقلی هستند چراکه خداوند از آنها در عرض مسلمانان، یهودیان، نصاری، مجوس و مشرکان نام برده است و ثانیاً اهل کتاب هستند (به دلیل همین قرارگیری نام صابئان در کنار مسلمانان، یهودیان و مسیحیان). از این رو، معادل «ستاره‌پرست» قمشه‌ای را نمی‌توان مناسب و درست دانست. معادل ترجمه قرآن قرن دهم («ستاره‌پرستان بیرون‌آیندگان از دین مشهور به دین دیگر») از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست آن، نظر به توضیحی که گذشت، درست نیست. بخش دوم آن نیز به یکی از معانی لغوی گفته‌شده برای «صابئین»، یعنی خروج از یک دین به دینی دیگر، اشاره دارد. لذا، می‌توان آن را درباره هر فرد یا گروهی که از دین خود یا دین رایج عدول کرده، به کار گرفت، چنانکه مشرکان این لفظ را درباره پیامبر (ص) به کار می‌بردند (ن.ک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۳۶). استفاده از معادل «خرم‌دینان» در ترجمه تفسیر طبری نیز درست به نظر نمی‌رسد زیرا در آرا و نظراتی که درباره صابئین گفته شده، کسی قائل به ارتباط آنها با خرم‌دینان - که خود آنها را بیشتر با مزدکیان مرتبط دانسته‌اند - نشده‌اند. اگر بپذیریم که صابئین مذکور در قرآن همان صابئین مندائی هستند، می‌توان از میان ترجمه‌هایی

که برای «صابئین» معادل آورده‌اند و صرفاً خودِ واژه مزبور را انتقال نداده‌اند، معادل رضایی - «صابئان (پیرو یحیای پیامبر)» - را بیشتر به صواب نزدیک دانست؛

۴. «الأسباط» جمع «سبط» و به معنای «فرزندِ فرزند» است. به قبایل دوازده‌گانه بنی اسرائیل به اعتبار انتسابی که به دوازده فرزند حضرت یعقوب (ع) دارند و از نوادگان او به حساب می‌آیند، «اسباط» گفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۷: ۲۱۵). معادل‌های «نواسگان»، «نبیره‌گان» و «نوادگان» که در برخی از ترجمه‌ها (ت. ت. طبری؛ ق. ق. دهم؛ انصاری) به کار رفته‌اند، علی‌رغم تفاوت ظاهری، همگی به یک معنا هستند. در فرهنگ نظام ذیل ماده «نواسه» آمده است: به معنای «فرزندزاده که الفاظ دیگرش نوه و نواده و نبیره است. این لفظ در تکلم خراسان هست و ریشه‌اش با نواده یکی است» (داعی الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۸۵).

مسئله دیگری که درباره اسباط وجود دارد، پیامبر بودن یا نبودن آنها است. به گفته طبرسی، بسیاری از مفسران بر این باورند که اسباط - به معنای فرزندان یعقوب - پیامبر بوده‌اند ولی طبق مذهب شیعه، همه آنها را نمی‌توان پیامبر دانست زیرا پیامبر باید از کارهای قبیح - کوچک یا بزرگ - معصوم باشد، حال آنکه برادران یوسف - نظر به کاری که با او کردند - معصوم نبوده‌اند. وانگهی، در قرآن دلیل و آیه‌ای برای نبوت آنان وجود ندارد و «نزول به اسباط» - اشاره به آیه ۱۳۶ بقره: ﴿وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ﴾ - دلالت بر این ندارد که آنها پیامبر بوده‌اند زیرا ممکن است که نزول فقط به برخی از آنها شده باشد که پیامبر بوده‌اند و مرتکب افعال قبیحه نشده‌اند. همچنین، محتمل است که جمله «وما أنزل إلهم» مثل ﴿وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا﴾ باشد. به عبارت دیگر، قرآن صرفاً بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده، اما چون مسلمانان مأمور به عمل به آن بودند، نزول قرآن بدانها اضافه و نسبت داده شده است. درباره «اسباط» نیز چنین حالتی وجود دارد (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۰۵؛ نیز ن. ک: جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۷: ۲۳۴-۲۳۳). در چهار ترجمه، صراحتاً اشاره‌ای به نبوت اسباط نشده است و تنها رضایی و صفوی هستند که اسباط را پیامبر دانسته‌اند.

۵. در لغت‌نامه دهخدا، ذیل مواد «نبی»، «نپی» و «نوی» [هر سه با ضمّ و کسر نون] به معناهایی چون قرآن، مصحف و کلام خدا اشاره شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۳۲۵ و ۲۲۳۳۱ و ج ۱۵: ۲۲۸۷۳). در فرهنگ نظام نیز ذیل ماده «نپی» آمده که این واژه در پهلوی «نییک» بوده و با نوشتن از یک ریشه، و لفظی فارسی است (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۱۹). بدین ترتیب، می‌توان گفت که «نبی» اساساً ریشه در واژه نییک یا «nibēg» دارد و به معنای «نوشته» و «کتاب» است (در این ارتباط، مثلاً ن.ک: MacKenzie: 1971: 59) و در زبان فارسی برای اطلاق بر «قرآن» به کار گرفته شده. از همین رو، راهبرد ترجمه ق. ق. دهم در برگردان این اسم، از نوع «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد»، است.

۶. «مزدلفه» نام دیگر «مشعر الحرام» است و احتمالاً به همین خاطر است که در ترجمه قرآن قرن دهم از معادل مزبور استفاده شده. در وجه تسمیه این واژه اختلاف است؛ مثلاً گفته شده که مزدلفه از ازدلاف که به معنای اجتماع است، گرفته شده، و یا ازدلاف به معنای اقتراب و نزدیکی است زیرا محلی برای تقرب به خدا است، و یا اینکه حاجیان در اینجا گرد هم می‌آیند و یا اینکه مردم هنگام شب بدانجا وارد و نزدیک می‌شوند و دیگر دلایلی که در این ارتباط گفته شده است (ن.ک: حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۱۲۱-۱۲۰).

۵- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱. ترجمه‌های شش‌گانه در برگردان ۵۹ اسم خاص که مجموعاً ۴۴۳ بار در سوره بقره ذکر شده‌اند، از چهارده راهبرد (مستقل یا ترکیبی) استفاده کرده‌اند. آمار کلی راهبردهای اتخاذشده در این ترجمه‌ها نشان از این دارد که از این ۱۴ راهبرد، پنج راهبرد - «انتقال»، «ترجمه»، «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد»، «انتقال جزئی»، «ترجمه و جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مبدأ» - در هر شش ترجمه اتخاذ شده و ۹ راهبرد نیز در یک تا پنج ترجمه اصلاً به کار گرفته نشده است. از این راهبردها، ترجمه

تفسیر طبری از ۷، ترجمه قرآن قرن دهم و انصاری هر یک از ۶، رضایی از ۵ و قمشه‌ای و صفوی هر کدام از ۳ راهبرد استفاده نکرده‌اند؛

۲. سه راهبرد اول و مشترک هر شش ترجمه در بازنمایی اسم‌های خاص عبارتند از: «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد»، «انتقال (بدون تغییر یا با تغییری اندک)» و «ترجمه». لازم به ذکر است که قرارگیری راهبرد «جایگزینی با اسمی دیگر از زبان مقصد» در جایگاه اول، بیشتر بدین خاطر است که لفظ جلاله «الله» ۲۸۲ بار در سوره بقره ذکر شده و این ترجمه‌ها در برگردان آن عمدتاً از راهبرد مزبور استفاده کرده‌اند؛

۳. بررسی شماری از معادل‌ها نشان می‌دهد که برخی از آنها صرفاً در ظاهر متفاوت هستند و در واقع، معنایشان یکسان است. معادل‌هایی نیز - ولو معدود - وجود دارند که چندان با اسم خاص متن مبدأ منطبق نیستند و اطلاعات کامل و درستی را به خواننده منتقل نمی‌کنند. ضمن اینکه ترجمه برخی از اسم‌های خاص - به‌ویژه اسماء الله، نظر به ویژگی‌هایی که در ساختار و معنای خود دارند - بسیار سخت و مشکل‌آفرین است.

۶- منابع

* قرآن کریم

۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیة، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).

۲- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر والتنویر، تونس: الدار التونسیة للنشر، (۱۹۸۴م).

۳- اسکندری، مهنوش، «بررسی تغییرناپذیرهای طبیعت و اسامی خاص در قرآن بر اساس طبقه‌بندی وینوگراووف با تکیه بر ترجمه روسی کولی‌یف»، سراج منیر، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۸۵-۱۰۷ (۱۳۹۶ش).

۴- الهی‌قمشه‌ای، مهدی، ترجمه فارسی قرآن کریم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۴۲ش).

۵- انصاری خوشابری، مسعود، ترجمه قرآن کریم، تهران: نشر فرزانه روز، (۱۳۷۷ش).

۶- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲، ویرایش چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات فاطمی، (۱۳۹۰ش).

۷- باطنی، محمدرضا، مسائل زبانشناسی نوین (ده مقاله)، چاپ ۳، تهران: انتشارات آگاه، (۱۳۷۰ش).

۸- ترجمه تفسیر طبری، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۳۹ش).
۹- ترجمه قرآن قرن دهم، تصحیح علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۳ش).
۱۰- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء، (۱۳۹۸ش).
۱۱- حری، ابوالفضل، «سخت ترجمه‌پذیری اسماء الحسنی با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی اسامی خاص»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۶۸-۳۷، (۱۳۹۸ش).

۱۲- حموي، ياقوت بن عبد الله، معجم البلدان، الطبعة الثانية، بيروت: دار صادر، (۱۹۹۵م).
۱۳- داعی الاسلام، محمدعلی، فرهنگ نظام، چاپ ۲، تهران: دانش، (۱۳۶۲ش).
۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ ۲، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۷۷ش).
۱۵- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب: التفسیر الکبیر، ط ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۱۶- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
۱۷- زجاجی، عبد الرحمن بن إسحاق، إشتقاق أسماء الله، تحقیق عبد الحسین المبارك، ط ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، (۱۴۰۶ق).

۱۸- زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ط ۳، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

۱۹- صایفی، منیر، ترجمة أسماء الأعلام في القرآن الكريم: أسماء الأنبياء أنموذجا دراسة نقدية مقارنة من خلال ترجمتي محمد حميد الله وأنلدري شورافي للقرآن الكريم إلى اللغة الفرنسية، رسالة الماجستير، جامعة منتوري، (۲۰۱۰م).

۲۰- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن کریم براساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
۲۱- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، (۱۴۱۷ق).

۲۲- طباطبایی لطفی، سید عبدالمجید، «مطالعه توصیفی راه کارهای معادل گزینی برای اسامی خاص قرآنی در پنج ترجمه انگلیسی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال اول شماره اول، ۹۹-۱۱۷، (۱۳۹۶ش)

۲۳- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، ط ۲. بیروت: دار المعرفة، (۱۴۰۸ق).

۲۴- طیبی، عبد الحفیظ، *ترجمة أسماء الله الحسنى إلى الفرنسية بين الدلالة المعجمية والسياق القرآني سورة الحشر نموذجاً دراسة تحليلية مقارنة لترجمات كازيميسكي شوراکي وأبي بکر حمزة*، رسالة الماجستير، جامعة منتوري، (۲۰۰۹م).

۲۵- فرشیدورد، خسرو، *دستور مفصل امروز*، تهران: انتشارات سخن، (۱۳۸۲ش).

26- Fernandes, Lincoln, "Translation of names in children's fantasy literature: Bringing the young reader in to play", *New Voices in Translation Studies*, 2, pp. 44-57. (2006).

27- Hermans, Theo, "On translating proper names, with reference to De Witte and Max Havelaar", In M. J. Wintle (ed.) *Modern Dutch Studies. Essays in Honour of Professor Peter King on the Occasion of his Retirement*, London/Atlantic Highlands: The Athlone Press. (1988).

28- Leppihalme, Ritwa, *Culture Bump: An Empirical Approach to the Translation of Allusions*, UK: Multilingual matters. (1997).

29- MacKenzie, David Neil, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press. (1971).

30- Newmark, Peter, *A Textbook of Translation*, Shanghai Foreign Language Education Press. (1988).

31- Särkkä, Heikki, "Translation of proper names in non-fiction texts", *Translation Journal*, 11(1), Available at <http://translationjournal.net/journal/39proper.htm>. (2007).

32- Van Coillie, Jan, "Character Names in Translation: A Functional Approach", In Jan Van Coillie & Walter P. Verschueren (eds.), *Children's Literature in Translation: Challenges and Strategies*, Manchester & Kinderhook: St. Jerome Publishing. (2006).

33- Vermes, Albert Péter, "Proper names in translation: an explanatory attempt", *Across Languages and Cultures*, 4 (1), pp. 89-108. (2003).